



دولت وحدت ملی
مشکلش این است
که کسانی که این
شعار منسوب به
آنهاست هیچ وقت
توضیح نداده اند
که مراد آن ها
از وحدت ملی
چیست

حداد عادل: ائتلاف به نتیجه هم نرسد اوضاع از این بدتر نمی شود

زاهدی

مقدمه



برخی اورا فرهنگی ترین سیاستمدار اصولگرای می دانند. مردی ۶۷ ساله با ظاهری تکیده و محبوب که البته جوان تر از سنش به نظر می آید و در فعالیت هایش هم روحیه جوانی اش را حفظ کرده. غلامعلی حداد عادل که امروز در زمره شخصیت های سیاسی کشور شناخته می شود روزگاری تنها دغدغه اش فرهنگ و فلسفه بود اما زمانه اورا به مسیر سیاست کشاند و کرسی قرمز رنگ مجلس ششم با اما و اگر های بسیار نصیبش شد. عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام را در سوابق خود می دید که بهر نیسی مجلس اصولگرای هفتم نیز دست یافت، هر چند دولتی مستعجل بود و همچون سایر روسای مجلس در جمهوری اسلامی نتوانست برای دو دوره این سمت را حفظ کند و در مجلس هشتم به ریاست کمیسیون فرهنگی بسنده کرد. امروز حداد عادل نمایندگی مردم تهران را در مجلس نهم بر عهده دارد و البته با حضور در ائتلاف ۱+۲ و در کنار ولایتی و قالیباف ونیم نگاهی به ساختمان ریاست جمهوری در پاستور. تلاش ما برای مصاحبه با دکتر حداد عادل به دلایل متفاوت میسر نشد. لذا در ادامه بخشی از نقطه نظرات این کهنه کار فرهنگ و سیاست را در گفتگو با روزنامه جام جم و هفته نامه ۹ دی که اخیرا انجام شده می خوانید.

در روز بعد از تعطیلات تاسوعا و عاشورا در مجلس آن را خواندم. جواب ایشان را در مجلس خواندم، روش کار بنده این بود که با این نوع اقدامات سعی کنم ماجرا را ختم کنم کما این که در آن مرحله ختم شد. البته بنده تاوان این مصلحت اندیشی خودم را چند ماه بعد دادم. ولی مهم نیست. مهم این بود که کار درستی انجام شده. این شیوه ما بود. متأسفانه الان فضا به تدریج تند تر و پرتنش تر شده و بنده معتقدم این چند ماهی که از دولت دهم مانده باید با استفاده از همه تجربه های سالیهای اخیر و با توجه به شرایط بین المللی و توصیه های رهبری و مشکلات اقتصادی مردم، ارتباط مجلس و دولت را مدام و مدیریت کنیم.

* دولت وحدت ملی مشکلش این است که کسانی که این شعار منسوب به آنهاست هیچ وقت توضیح نداده اند که مراد آن ها از وحدت ملی چیست. شاید هم عمدتاً توضیح نداده اند. ما هم باید به صورت قضیه شرطیه اظهار نظر بکنیم. باید بگوییم اگر مرادشان از وحدت ملی وحدت با کسانی است که به منافع ملی در گذشته لطمه زده اند چنین وحدتی معقول نیست. اما اگر مرادشان از وحدت ملی استفاده از همه نیروهای خدم و سالم کشور است این حرف درستی است.

* شرط عذرخواهی و نظایر آن وظیفه شورای نگهبان و نهادهای نظارتی است که تصمیم بگیرند که چه شرطی بگذارند یا نگذارند. ولی اصلاح طلب ها مایلند در انتخابات شرکت کنند. مخصوصاً این مشکلات اقتصادی که پیش آمده و این گله هایی که ما از آقای احمدی نژاد داریم آن ها خیلی روی آن حساب می کنند. امروز آن ها در صحبت هایشان می گویند که اصولگرایان باید بیایند از ما عذرخواهی کنند! خب حرف اشتباهی می گویند ولی منظورم این است که آن هایک چنین خیزی برداشتند. چون یک چنین واقعیتی هست، بنده فکر می کنم به مصلحت نیست که اصولگرایان آراء خودشان را بشکنند و شاید یک نشانه برای درستی این موضع بنده هم همین واکنش هایی است که بعد از این موضع گیری از جانب طرفداران اصلاح طلبان دیده شد که خیلی سعی می کنند این فکر وحدت اصولگرایان را به یک نحوی کوبند و مخدوش اعلام کنند.

* با جریان حامی دولت اختلاف سلیقه داریم. در اصول که با خیلی ها مشترکیم، ولی به هر حال اختلاف سلیقه وجود دارد. * ممکن است. اصلاً ممکن است کسی را پیدا کنیم که اصولگرا باشد و به این نتیجه برسیم که رای هم دارد و ما هر سه نفر به نفع او کنار برویم.

* من برای آقای عسکروالادی، احترام زیادی قائلم و ایشان را همیشه به عنوان برادر بزرگ تر نیروهای انقلابی اصولگرا، تلقی کرده ام و می کنم، ولی با اظهارات اخیر ایشان موافق نیستم و با حفظ احترام، باید بگویم موضع بنده در این قضیه با موضع آقای عسکروالادی فرق می کند.

* حالاً رأس امور را باید تفسیر کنیم. به هر حال مخالفان ما می گویند بدترین مجلس، مجلس هفتم بوده است. مخصوصاً اصلاح طلب ها خیلی ناراحت هستند از اینکه چرا ما در مجلس هفتم بر طبل اختلاف با آقای احمدی نژاد نکوبیدیم. بنده هم تشخیصم این بود که آن ها اخیر و صلاح آقای احمدی نژاد با مجلس رانمی خواهند. آن ها مایلند بین دولت و مجلس اختلاف بشود که در انتخابات بعدی بتوانند پیروز شوند. ما هم این موضوع خط قرمزمان بود و به همین جهت یک سققی گذاشته بودیم در مجلس هفتم برای اختلاف با دولت، در عین حال که سعی می کردیم بر

استیفای حق مجلس و بر حفظ اعتبار مجلس، اما این درگیری را به حدی نمی کشانیدیم که مردم به قول شما کلافه شوند. * ما الان هشت سال است که آقای احمدی نژاد را در عرصه سیاست و عرصه تعامل با مجلس می شناسیم. آقای احمدی نژاد یک تفسیر خاصی از قانون اساسی دارد و ریشه بسیاری از اختلافات این است که مجلس آن تفسیری را که ایشان از جایگاه رئیس جمهور در قانون اساسی دارد قبول ندارد. ما نباید مسئله را شخصی تلقی بکنیم. در آن زمان هم آقای احمدی نژاد نامه های تندی در مجلس هفتم به من نوشت. آن نامه ها بی دلیل و خیلی شدیدالحن بود که باعث تعجب مردم در جامعه شده بود. آن هم با آن همه بار سنگینی که من به خاطر حمایت از ایشان به دوش می کشیدم مردم انتظار نداشتند. این روحیه آقای احمدی نژاد که در اواخر مجلس هفتم به این صورت آشکار شد در طول سالیهای بعد هم شدت پیدا کرد. من این مطلب را باید بگویم که کار با دولت ایشان واقعا دشوار است و بنده صبر می کردم. من همیشه فکر می کردم که چه پاسخی بدهم و چه واکنشی نشان بدهم که به سود انقلاب باشد و اختلاف را تشدید نکند. در یک جایی دیدم کار به یک حالت به اصطلاح گره کور درآمده است یک نامه به رهبر انقلاب نوشتم و

* مگر غیر از این است که در نهایت ممکن است نتیجه مدل فعلی به نتیجه تجربه قبلی منجر شود. فرض کنیم حاصل تمام تلاش های نتیجه باشد، در چنین صورتی هر کدام از ما به صورت انفرادی شرکت می کنیم، اگر این کارها را هم نکنیم نتیجه همین می شود؛ بنابراین بدتر از وضع فعلی نخواهد شد. ولی این احتمال هم هست که بهتر شود. یعنی می خواهم بگویم یک وقتی ممکن است این سه نفری که دور هم جمع شده اند و می گویند می خواهم با هم ائتلاف کنیم و به وحدت برسیم اگر موفق نشوند اوضاع بدتر می شود، در این حالت می توانیم بگوییم چرا این کار را کردید، ولی یک وقت هم هست که اگر موفق نشوند تازه شرایط می شود مثل زمانی که اصلاً ائتلاف نکرده بودند و بدتر از آن زمان نمی شود. البته ما امیدواریم بهتر شود تا از تکرار و تشنگی جلوگیری شود. این گونه امور هم که چند نفر دور هم جمع می شوند هیچ ضمانت اجرایی جز مسئولیت های وجدانی و ایمانی خود آن افراد ندارد.

* خوشبین هستم و لااقل در مورد آنچه به خودم مربوط می شود، خیالم راحت است و نسبت به دوستان دیگر هم بدبین نیستم. حالا بالاخره این هم میدان امتحانی است و آزمایش و محکی برای همه ماست.

* بنده صحنه را متفاوت از شما می بینم. در نظر من تفاوت انتخابات ۹۲ با ۸۴ و ۸۸ این است که در آنجا رقابت میان اصولگرایان و اصلاح طلبان بود اما در شرایط فعلی، یک ضلع سوم می ایجاد شده و آن جریان طرفدار دولت است که بعضی ها نام آنرا افراد ابر آن گذاشته اند. به هر حال این جریان یک ضلع سوم در عرصه انتخابات است. درون خود اصولگرایان هم از ابتدای مجلس هفتم یعنی در ده سال گذشته، انشعابات ایجاد شده است. به همین دلیل، رقابت به یک معنا بیشتر شده است، علاوه بر این فشار اقتصادی هم زیاد شده و تحلیل بنده این است که یک دلیل خاص برای این تحریم های اقتصادی این است که ما یک انتخابات پیش رو داریم و عده ای هم در صدد بذری را که تحریم کنندگان افشاندند اند، در انتخابات درو کنند. چنین واقعیتی هایی، صحنه انتخابات ۹۲ را از دوره های انتخابات گذشته، متمایز و البته حساس تر می کند. جهات دیگری هم هست و مشکلاتی که هم اکنون در روابط بین قوا و در روابط میان مجلس و دولت یا قوه قضاییه و دولت مشاهده می شود، ایجاب می کند که ما خیلی حساب شده در انتخابات ۹۲ عمل کنیم و مهم ترین نکته این است که با تکرار نامزدها، زمینه شکست اصولگرایی را فراهم نکنیم.

ویژه نامه نوروزی
روزنامه خراسان
فروردین ۱۳۹۲

۳۳